

علم أصول الفقه

٦١

٩٣-١٢-٤ ظهور

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا

• يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَ مَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ
لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يُحْذِرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ
(٣٠)

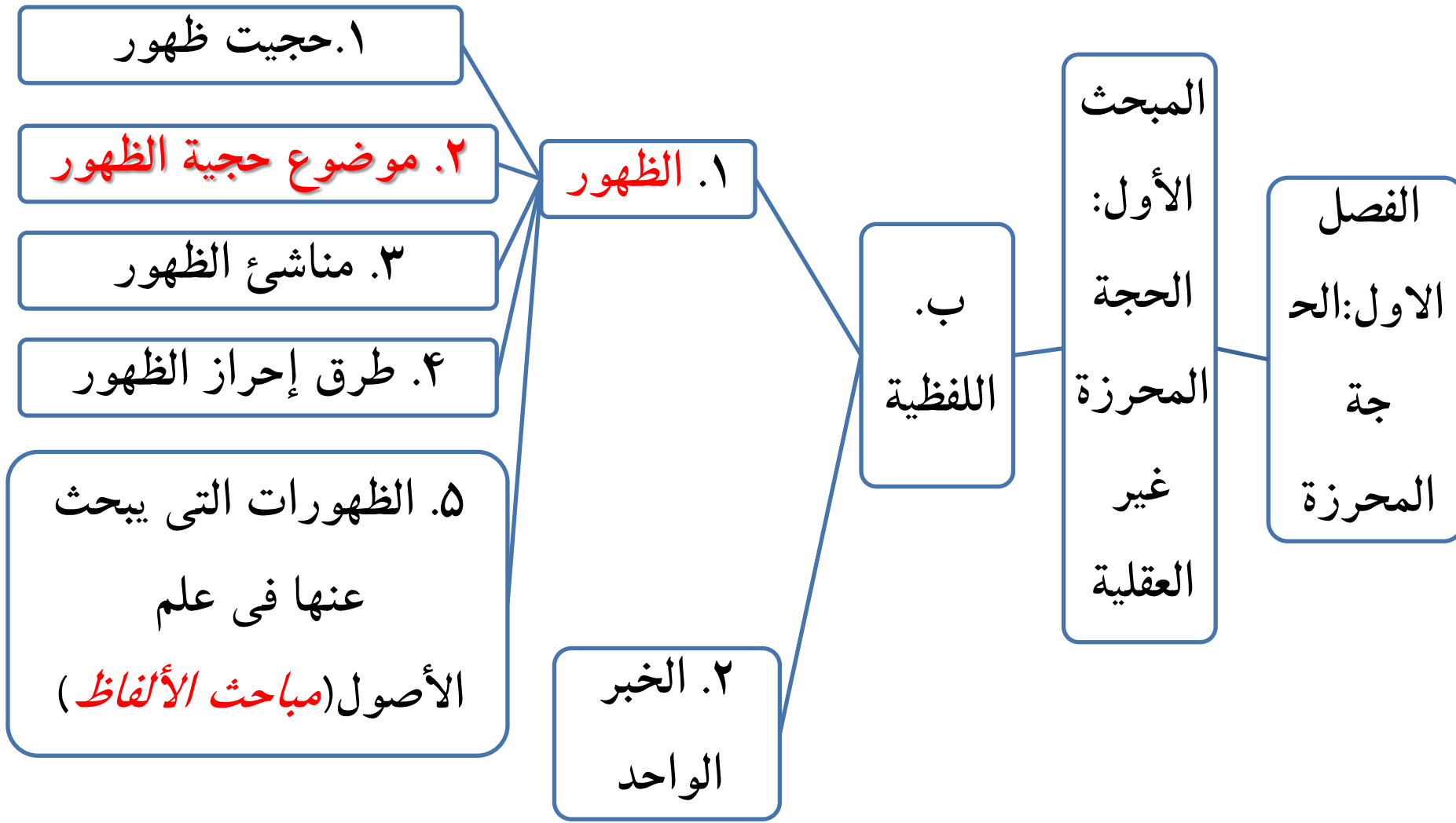
•
•

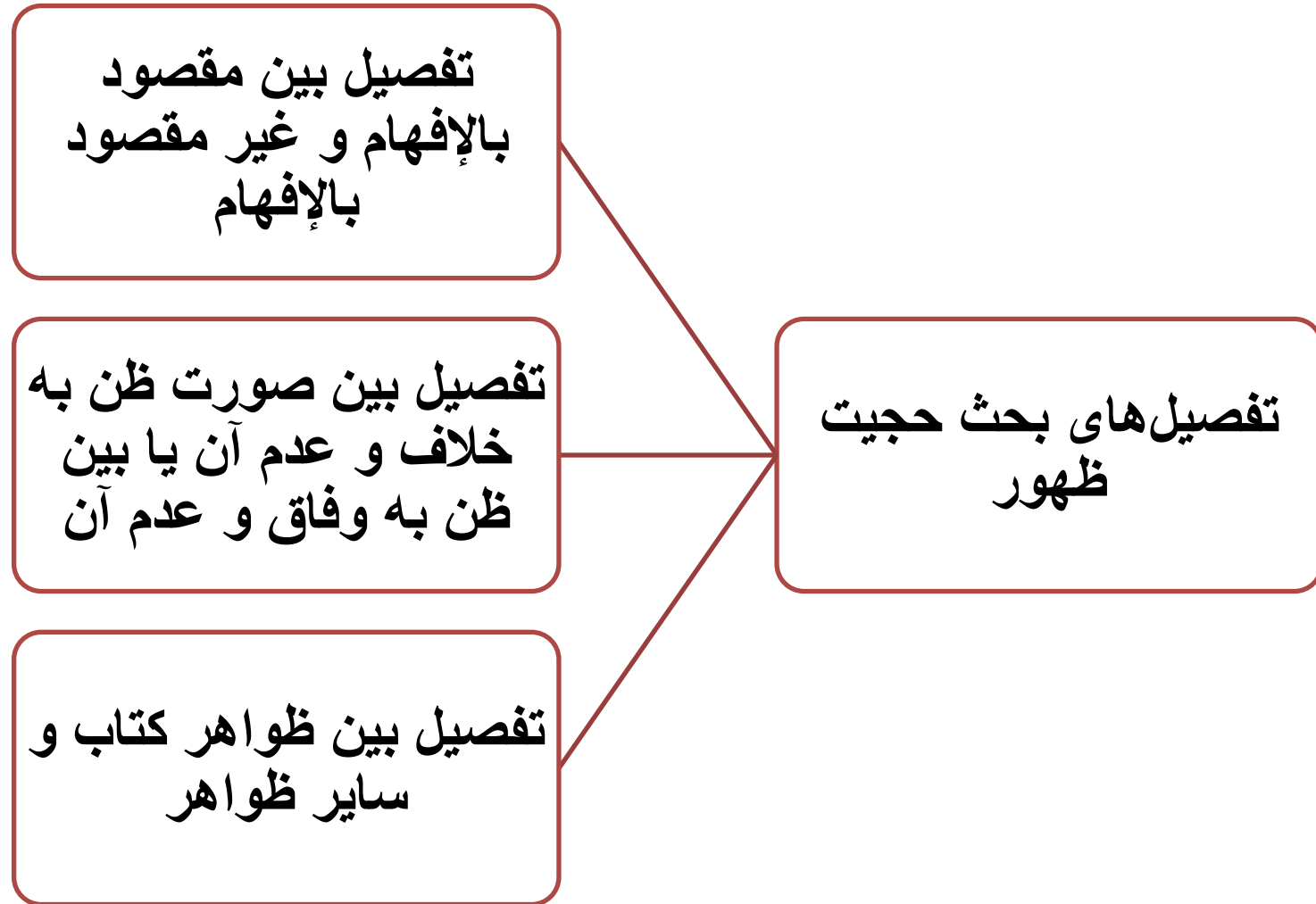
مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
- إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا (١)
- وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (٢)
- وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (٣)

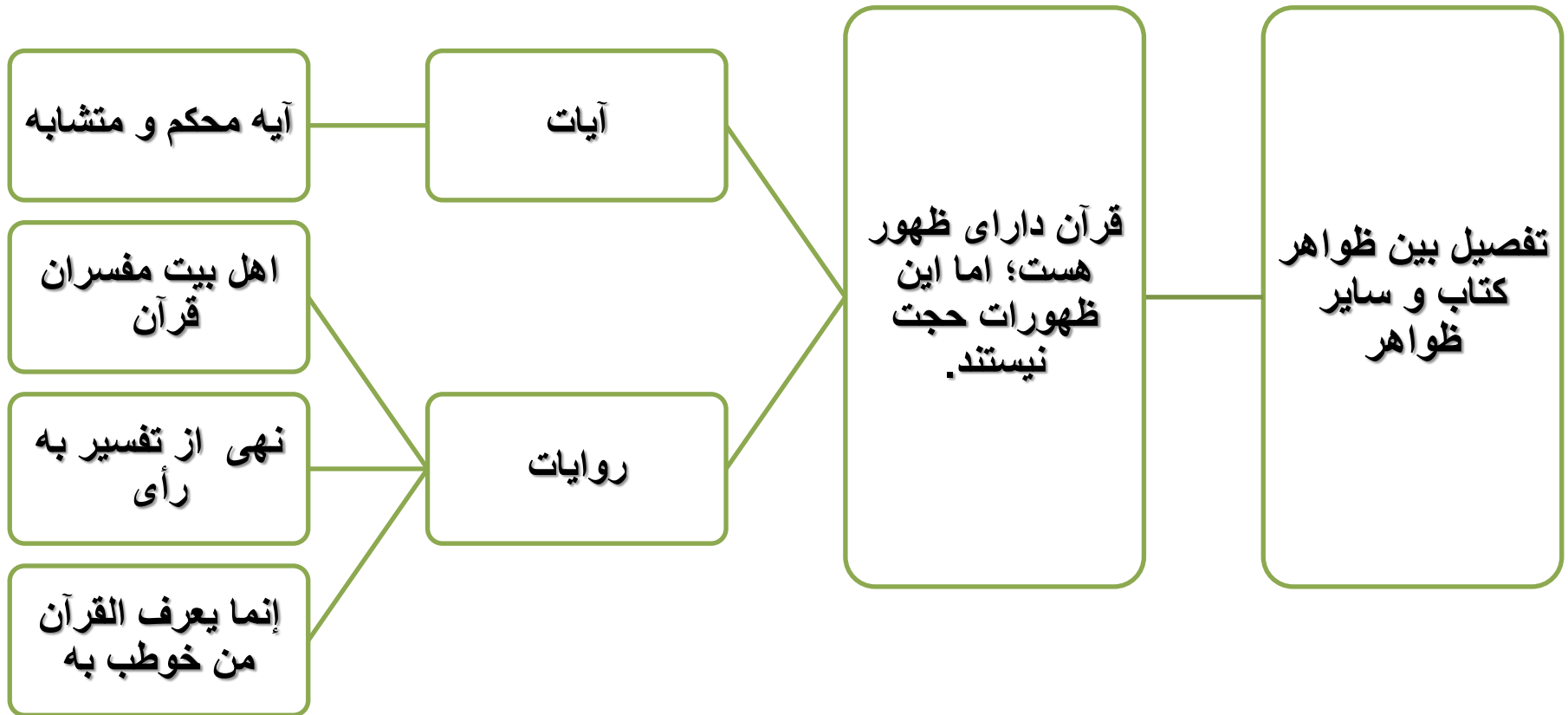
مَنْ يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

- يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (٤)
- بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (٥)
- يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (٦)
- فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (٧)
- وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (٨)





۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر



۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- جمع بندی دلیل دوم اخباری‌ها
- از بین این سه دسته تنها دسته **سوم** بر نفی حجیت ظواہر قرآن دلالت دارد. دسته **اول** که مفسریت اهل بیت علیہم السلام را بیان می‌کنند و دسته **دوم** از تفسیر قرآن به رأی نهی می‌کند. این دو دسته **اخیر** مانع از حجیت ظواہر قرآن نیست و دسته **سوم** هم که مانعیتی دارد، با توجه به اندک بودن تعداد روایاتش و مخدوش بودن سند آنها و نیز معارض بودن با انبوهی از روایات دال بر حجیت ظواہر قرآن، نمی‌تواند رادع سیرة قائم بر حجیت ظواہر در حوزه قرآن باشد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- روایات دال بر حجیت ظواهر قرآن
- در قبال این سه دسته روایات، روایات فراوانی داریم که بر حجیت ظواهر قرآن دلالت می‌کنند و تواتر اجمالی دارند. این روایات خود به چند گروه تقسیم می‌شوند:

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- گروه اول
- روایاتی است که ما را به قرآن ارجاع می دهد مثل حدیث ثقلین که در ذیل حدیث می فرماید: مادامی که شما به قرآن و سنت تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- در تمسک به قرآن در دو احتمال هست: اینکه به الفاظ قرآن همین کتابی که در اختیار شما است، مراجعه کنید و معنایش این است که الفاظ قرآن برای ما قابل مراجعه و استفاده است و اطلاق ارجاع، اقتضا می‌کند که ظواهر قرآنی حجت باشد.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- احتمال دیگر این است که مقصود از قرآن معانی و محتوا باشد؛ البته نمی‌گویند که ظواهر قرآن حجت نیستند و چون طبق این فرض، حضرت شیوة دستیابی به محتوای قرآن را بیان نکرده است در حالی که ما نیاز به راهی برای کشف محتوا داریم، اطلاق مقامی اقتضا می‌کند که شارع همان شیوه‌های متعارف عقلایی را پذیرفته است. یکی از آن شیوه‌ها مراجعه به ظواهر است.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- گروه دوم
- روایاتی هستند که در آن بیان شده است که اگر کسی شرط کند که آن شرط با قرآن مخالفت دارد، الزام آور نخواهد بود.
- مقصود از شرط مخالف کتاب چیست؟

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اگر مقصود شرطی است که مخالف ظاهر الفاظ کتاب باشد، به مقتضای اطلاق لفظی این روایات معنایش حجیت ظواهر قرآن است؛ مثلاً خداوند تبارک و تعالی در کتاب بیان کرده است که بیع حلال است و ربا حرام و ما بخواهیم شرطی کنیم که ربا را حلال یا بیع را حرام کند. این شرط الزام آور نیست.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- اگر مقصود شرطی است کہ با محتوا و مفاد قرآن ناسازگار باشد، در این صورت به مقتضای اطلاق مقامی معنایش حجیت ظهور خواهد بود.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- وقتی ائمه علیهم السلام فرموده‌اند هر شرطی را که می‌گذارید، الزام‌آور است مگر شرطی که با قرآن منافات دارد، معنایش این است که مردم می‌توانند بلکه باید به قرآن مراجعه کنند تا بفهمند این شرط با قرآن منافات دارد یا نه. اگر ظواهر قرآن برای غیر از اهل بیت علیهم السلام حجت نباشد، معنا ندارد که مردم به قرآن مراجعه کنند و بفهمند این شرط خلاف قرآن است یا نیست و هر چه می‌خواهند بفهمند را باید از اهل بیت علیهم السلام سؤال کنند.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- گروه سوم
- روایاتی هستند که می‌گویند وقتی از ما اهل بیت علیهم السلام روایتی به دستتان رسید، آن را با قرآن بسنجید. اگر با قرآن ناسازگار بود باید آن را کنار بگذارید.
- قرآنی که ائمه علیهم السلام فرموده‌اند، همان ظواهر و نصوص قرآن است. معنایش این است که ما می‌توانیم به ظواهر قرآنی مراجعه کنیم.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- گروه چهارم
- روایاتی هستند که شهید صدر رضوان الله علیه در بحث حجیت ظهورات طولی به آنها اشاره کرد. در آن روایات ائمه علیهم السلام برای بیان یک حکم شرعی به ظواهر قرآنی تمسک کردند و در واقع نحوه بهره‌برداری از ظهورات قرآنی را آموزش دادند؛

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- مثلاً در مسح بعض سر حضرت فرمودند ما این را از حرف باء در بروسئکم فهمیدیم یعنی از ظهور حرف باء در این عبارت قرآن استفاده شده است.
- همه این روایات در این نکته با هم اشتراک داشتند که ظواهر قرآنی قابل استناد هستند.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اشکال
- ممکن است در ذیل این طایفه از روایات این سؤال پیدا شود که در متن این روایات ائمه علیهم السلام خودشان به ظواهر قرآن تمسک کردند و اخباری‌ها هم این مقدار را قبول دارند که ظواهر قرآنی برای اهل بیت علیهم السلام حجت است.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- جواب
- شهید صدر رضوان الله علیه در جواب این اشکال به دو نکته اشاره می‌کند: **می‌گوید:**

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

• اول اینکه ائمه علیهم السلام وقتی خواستند از قرآن استفاده کنند. لباس یک استفاده کننده عادی را به تن کردند؛ یعنی وقتی حضرت می فرمایند من از حرف باء در برئوسکم چنین می فهمم، در حقیقت می خواهند بگویند من به عنوان یک مخاطب عادی قرآن فهمیدم نه اینکه به عنوان معصوم و به دلیل علم غیبم که اگر این طور بود، لازم نبود به ظاهر قرآن استناد کنند.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- اصولاً خطاب ایشان به کسانی بود که قائل به علم اهل بیت علیهم السلام نبودند و حداکثر ایشان را به عنوان یک مجتهد قبول دارند و ائمه علیهم السلام خواستند نشان دهند که حتی با استفاده عادی اجتهادی از قرآن که دیگران به این راحتی بلد نیستند، می **توان** حکم را ثابت کرد و او هم می پذیرد که این استناد، استناد معقولی است و هر کسی دیگری هم می تواند با دقت از قرآن آن را به دست بیاورد.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- از جمله این روایات روایت عبد الأعلى، است که حضرت می فرماید این چیزها از خود قرآن قابل فهم است نه به این معنا که برای ما که اهل بیت علیهم السلام که علم الهی داریم، بلکه برای تو عبد الأعلى هم قابل فهم است.
- . علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۹.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- گروه پنجم
- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - به این گروه اشاره نکردند. این روایاتی است در باب روایات متعارض وارد شده است در این روایات برای دو روایت که با یکدیگر تعارض کرده‌اند معیارهایی برای ترجیح یکی بر دیگری بیان شده است. اولین معیار این است که روایت موافق قرآن را بگیرید.

۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- مفاد این گروه از روایات غیر از مفاد گروه سوم از روایات است. گروه سوم می‌گفت اگر مضمون روایتی با قرآن ناسازگار است، آن را کنار بگذارید؛ یعنی به اصطلاح فنی در بحث تعادل و ترجیح می‌گوییم اگر روایتی با قرآن تعارض پیدا کند و تعارض عام و خاص من وجه باشد، آن روایت در محل تعارض از درجه اعتبار ساقط است و اگر تعارض، تباینی باشد، به کلی از درجه اعتبار ساقط است.

۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- اینکه می‌گوییم تعارض دارد یعنی قابل جمع عرفی نیست. گروه پنجم می‌گوید اگر دو دسته روایات که با هم تعارض دارند، روایات موافق با قرآن را بگیرید و مخالف با قرآن کنار بگذارید. در حقیقت ناظر به مواردی است که آن روایت با خود قرآن تعارض ندارند.